

فهرست مطالب

۷ سرمقاله

مقاله‌ها

۱۱ عاشیق آذربایجانی: سازگاری‌های یک موسیقیدان با جامعه‌ای در حال تغییر
شارلوت آلبرایت، ترجمه‌ی بهرنگ نیک‌آیین

۲۵ موسیقی در اسلام
گفتار اول: در احادیث معصومان
اکبر ثبوت

۴۱ سیدعلی اصغر کردستانی
شاهو عبدی

یادداشت‌های پراکنده

۷۱ باب بیست و چهارم از قسم اول
جوامع الحکایات و لوامع الروایات اثر سدیدالدین محمد عوفی
سیدحسین میثمی

۷۷ آواز بنایان در ایران: نگاهی به یک کارآوا از خلال مستندات تاریخی
کامیار صلواتی

مفاهیم بنیادین



- ۸۵ گوش کردن به جهان، اما شنیدن خود: دورگگی و درک اصالت در موسیقی ملل
سارا وایس، ترجمه‌ی کبری ذوله

گزارش



- ۱۱۱ رقص کردی و موسیقی آن: گزارشی از نه رقص منطقه‌ی سنندج
شیما شاه‌محمدی

گفتگو



- ۱۴۱ دو گفتگو با بیاض امیرعطایی
احسان پوراشرفی و عباس گره‌بندی

- ۱۵۵ استوانه‌های فنوگراف آرشبو برلین و بازیافت صوتی آنها
گفتگو با آلبرشت ویدمن
محمدرضا شرابلی
ترجمه‌ی ثریا آدم‌نکان و علیرضا شلویری

نقد و بررسی



- ۱۶۹ دو نقد بر آلبوم بزم دور
آروین صداقت‌کیش و ایگناسیو آگریماو

- ۱۷۹ نقد موسیقی در جراید قرن نوزدهم
آدلاید دیپلس، ترجمه‌ی آرش محافظ

- ۱۹۱ تا فصلی دیگر...
سیدمحمد موسوی

تازه‌های ماهور



۱۹۵

مطلب نخست این شماره مقاله‌ای است از شارلوت آلبرایت درباره‌ی سنت عاشقی در آذربایجان ایران و چالش‌هایی که این سنت، در جامعه‌ی مدرن دوران پهلوی دوم، با آن مواجه بوده است. مؤلف، که این مقاله حاصل کار میدانی او در آذربایجان پیش از انقلاب است، ضمن معرفی این سنت شعری-موسیقایی و ویژگی‌های آن در دو آذربایجان غربی و شرقی، پرسش‌هایی درباره‌ی آینده‌ی این سنت، با توجه به ورود رادیو و تلویزیون و نیز گسترش کنسرت‌ها و امکانات ضبط تجاری موسیقی، و شیوه‌ی سازگاری آن با این تغییرات مطرح می‌کند که می‌توان امروزه بجایی آنها را با توجه به وضعیت فعلی این سنت ارزیابی کرد.

مقاله‌ی دوم، به قلم اکبر ثبوت و با عنوان «موسیقی در اسلام»، بخش اول مقاله‌ای است بلندتر که امیدواریم توفیق چاپ بخش دوم آن را هم داشته باشیم. در این بخش، مؤلف به مسئله‌ی حرمت و حلیت موسیقی در احادیث معتبر معصومین می‌پردازد و، با دقت، تعداد معتابیهی از احادیث مشهور را - از محدثین و مفسرین بزرگی مثل امین‌الاسلام طبرسی، ابن شهر آشوب، شهید ثانی، شریف رضی و شهید ثالث - که در باب نظر معصومین درباره‌ی موسیقی آمده است نقل و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

شاهو عبدی، در مقاله‌ی سوم، به بررسی اسناد و مدارکی درباره‌ی زندگی و فعالیت

موسیقایی یکی از موسیقیدانان کمترشناخته‌شده‌ی موسیقی کلاسیک ایرانی، یعنی سیدعلی اصغر کردستانی، می‌پردازد و، با اتخاذ رویکردی نقادانه به منابع گذشته، نکات مهمی از زندگی هنری این خواننده‌ی گُرد را که تاکنون اطلاعات اندکی درباره‌ی او وجود داشته است روشن می‌کند. مؤلف در این مقاله به‌ویژه در جهت شناختِ صفحه‌های ضبط‌شده از این موسیقیدان و ارائه‌ی یک صفحه‌شناسی تاحدممکن دقیق از او گام برداشته است.

در «یادداشت‌های پراکنده»ی این شماره دو مطلب داریم. در مطلب نخست، سیدحسین میثمی باب بیست و چهارم از قسم اول جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات (تألیف محمد عوفی در قرن هفتم هجری) را بازخوانی کرده است. این باب که «در لطایف اهل مُغنیان و ارباب ملاحی» است شامل دو گفتار از محمد عوفی درباره‌ی سماع و ۱۵ حکایت درباره‌ی موسیقیدانان، از جمله حکایتی درباره‌ی موسیقیدان برجسته‌ی قرن ششم، کمال‌الزمان، است که عوفی خود از زبان کمال‌الزمان شنیده است. میثمی، علاوه بر موضوع «قولان و نوازندگان»، مطالب محمد عوفی درباره‌ی نظام پردگانی خراسان و ماوراءالنهر آن دوره را هم بررسی کرده است.

مطلب دوم در این بخش نوشته‌ی کامیار صلواتی است و به مبحث کم‌شناخته‌شده‌ی آواز بنایان می‌پردازد. مؤلف کوشیده است در این یادداشت، با اتکا به مستندات اندکی که وجود دارد و در بسیاری موارد مربوط می‌شود به گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی، برخی ویژگی‌های آوازهای بنایان قدیم را، مثل نوع آواز، مضمون کلام و اعمالی که آواز با آنها همراه می‌شود، استخراج کند.

در بخش «مفاهیم بنیادین»، مقاله‌ای داریم از سارا وایس درباره‌ی مسئله‌ی اصالت و دورگگی در موسیقی ملل. بحث هویت موسیقایی، اغلب در قوم‌موسیقی‌شناسی، در مبحث اصالت و دورگگی خود را نشان می‌دهد. در این مقاله، سارا وایس نه به مؤلفه‌های هویت‌ساز، بلکه به نحوه‌ی برداشت مخاطبین از مسئله‌ی اصالت و دورگگی می‌پردازد و آن را در گرایش آنها به این یا آن نوع موسیقی دخیل می‌داند. او همچنین، با بررسی نظریه‌های مختلف درباره‌ی دورگگی، آن را مفهومی سیال و انعطاف‌پذیر می‌داند که می‌تواند در طی زمان شکل‌های مختلفی به خود بگیرد.

شیما شاه‌محمدی، در بخش «گزارش» این شماره، به بررسی نُه رقص گُردی از منطقه‌ی سندج می‌پردازد و، با ارائه‌ی آوانگاری‌ها و رقص‌نگاری‌ها و با استخراج ریتم‌های اصلی، توالی اصوات و طرح حرکت پاها در هریک از آنها، به تشریح ویژگی‌های آنها می‌پردازد.

بخش «گفتگو»ی این شماره شامل دو مطلب متفاوت است، یکی گفتگوهایی با بیاض امیرعطایی، توسط احسان پوراشرفی و عباس کُره‌بندی، که در آنها نکات زندگی‌نامه‌ای این سازنده‌ی برجسته‌ی کمانچه در کنار نکات فنی درباره‌ی ساخت این ساز مطرح می‌شود و دیگری

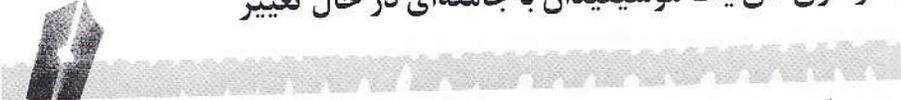
گفتگوی محمدرضا شرایلی با آلبرشت ویدمن، متخصص صدا در آرشیو برلین، که اخیراً، برای دیجیتال کردن برخی استوانه‌های فنوگراف موجود، به ایران و به مؤسسه‌ی ماهور آمده بود. در این گفتگو نکات قابل توجهی درباره‌ی استوانه‌های آرشیو برلین و نحوه‌ی بازیافت صدای آنها مطرح می‌شود.

خاتمه‌بخش این شماره سه مطلب در بخش «نقد و بررسی» است. دو مطلب نخست نقدهایی است، به ترتیب، نوشته‌ی آروین صداقت‌کیش — که قبلاً به صورت بی‌نام در روزنامه‌ی فرهیختگان چاپ شده است — و ایگناسیو آگریمباو درباره‌ی آلبوم بزم دور که ویژگی‌های این اثر را از نظر فرآیندهای خلاقانه و مؤلفه‌های بدیع آن در عین وفاداری به خصیصه‌های اصلی سنت بررسی می‌کنند. مطلب سوم ترجمه‌ی مقاله‌ای است از ادلناید دُپلس درباره‌ی نقد موسیقی در جراید قرن نوزدهم فرانسه که سیر تحول نقد موسیقی، از نقدهای جنجالی ژورنالیستی به نقدهای وزین فنی، در این قرن را بررسی می‌کند و برای خواننده‌ی ایرانی که تصور دقیقی از تحولات نقد موسیقی در اروپا ندارد می‌تواند بسیار خواندنی باشد.

هیئت تحریریه

عاشیق آذربایجانی:

سازگاری‌های یک موسیقیدان با جامعه‌ای در حال تغییر*



عاشیق آذربایجانی، که نام او از زبان عربی به معنای «دل‌داده» می‌آید، تنها یکی از انواع شاعر-خنیاگرانی است که در بین مردمان ترک سرتاسر آسیای میانه، ایران و ترکیه زندگی می‌کنند. تمام این خنیاگران می‌خوانند، اکثراً یک ساز زهی می‌نوازند و بهترین آنها برخی از شعرهای خود را می‌سرایند. بسیاری از آنها می‌توانند تعداد زیادی اشعارِ رواییِ شفاهی و حماسی را نیز بازگو کنند. نام‌های این خنیاگران از گروهی به گروه دیگر تغییر می‌کند. برای مثال، بین قرقیزها، این شاعر-خنیاگران آکین (akyn) نامیده می‌شوند، درحالی‌که همتای ترکمن آنها بخشی نام دارد (Beliaev 1975: 19, 142-143). غرب دریای خزر، در آذربایجان شوروی و استان‌های آذربایجان غربی و شرقی ایران، این شاعر-خنیاگر عاشیق (عاشوگ تلفظ می‌شود) و در ترکیه آشیک نامیده می‌شود.

تاریخ ثبت‌شده‌ی شاعر-خنیاگران در بین اقوام ترک تقریباً به قدمت تاریخ خود این مردمان می‌رسد. در دوران پیش از اسلام، این شاعر-خنیاگران به‌عنوان شمن در بین برخی اقوام ترک فعالیت می‌کردند (Chadwick and Zhirmunsky 1969: 334). بهترین شاعران و اجراکنندگان در دربارهای خان‌ها و شاه‌های کوچ‌نشین پذیرفته می‌شدند. شاه اسماعیل، مؤسس سلسله‌ی صفویه، که خودش نوازنده و شاعری توانا بود، برخی اوقات خنیاگران را به دربارش دعوت

* Charlotte F. Albright, "The Azerbaijani Ashiq: A Musician's Adaptations to a Changing Society," *Edebiyat: The Journal of Middle Eastern Literatures*, 2 (1-2): 205-217.

موسیقی در اسلام گفتار اول: در احادیث معصومان



در آغاز ورود پیامبر (ص) به مدینه

۱. بنا بر آنچه در منابع شیعی و سنی آمده است، در ماجرای هجرت پیامبر (ص) از مکه، در مراسم استقبال از آن حضرت در هنگام ورود به مدینه، گروهی از زنان دف می‌زدند و این سرود را می‌خواندند: «طلع البدر علينا من ثنیات الوداع / وجب الشکر علينا ما دعی الله داع / ایها المعوث فینا جئت بالامر المطاع» (یعنی: ما دو هفته، از میان تپه‌های پدرودگاه بر ما رخ نمود / تا آنگاه که دعاکننده‌ای خدای را می‌خواند، سپاس‌گزاری بر ما واجب است / ای آنکه بر ما برانگیخته شده‌ای! با فرمانی شایسته‌ی پیروی آمده‌ای). (نک. سپهر ۱۳۸۰ ج ۲: ۶۲۳).
۲. مفسر و محدث و ادیب بزرگ شیعی، امین‌الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) در کتاب *اعلام الوری* (طبرسی ۱۳۹۹ق: ۷۸-۷۹) آورده است که پیامبر (ص) پس از هجرت از مکه، چون وارد مدینه شد، مرکب او بر در خانه‌ی ابویوب ایستاد و پیامبر همان‌جا را برای اقامت برگزید. پس زنانی از طایفه‌ی بنی‌النجار که در آن ناحیه می‌زیستند بیامدند و درحالی‌که دف می‌زدند این شعر را می‌خواندند: «نحن جوار من بنی النجار / یا حبذا محمد من جار» (یعنی: ما زنانی از بنی‌النجاریم / ای خوشا همسایه‌ای که محمد باشد).

۱. تپه‌های پدرودگاه محل جداسدن مسافران از مشایخت‌کنندگان بود.

ارمغان طرب

نغمه‌نگاری‌های موسیقی ایران، از صفویان تا مشروطه

گردآوری: محسن محمدی



اطلاعات تاریخی درباره‌ی موسیقی در ایران چند هزار سال سابقه دارد. هم چنین از هزار سال پیش تاکنون مباحث نظری مفصل و کتاب‌های متعدد در زمینه‌ی موسیقی تولید شده که بخش زیادی از آن بر جای مانده و در دسترس است. دریغ که خود موسیقی از بین رفته و هیچ در دست نیست، مگر معدودی قطعات که پس از ورود صنعت ضبط مانداگار شده و قدیم‌ترین نمونه‌های موسیقی ایران هستند. اروپاییانی که به ایران سفر کردند یا مدتی در ایران زیستند نغمه‌نگاری‌های متعددی از موسیقی ایران در اروپا منتشر کردند. کتاب حاضر حاصل جستجوی چند ساله‌ی مؤلف برای یافتن نخستین نغمه‌نگاری‌های اروپاییان است و یک نغمه‌نگاری از دوره‌ی صفویه یک نغمه‌نگاری از دوره‌ی زندیه و موارد متعددی از دوره‌ی قاجار تا مشروطه را در بردارد. با این‌که بخشی از شخصیت قطعات حین تنظیم برای پیانو از بین رفته، اما این قطعات ارزشمند تنها نمونه‌های بر جا مانده از موسیقی در ایران پیش از ورود صنعت ضبط هستند. علاوه بر آن چندین قطعه موسیقی نظامی هم در این کتاب گنجانده شده که برای بازسازی فضای رسمی در آن دوره و یا حتی برای استفاده در کارگان موسیقی نظامی امروز بسیار با ارزش هستند.

